

بازگشائی گذرگاه‌ها با نظام جنایت کار، گام خبیثی برای تعجیل منافع و عادی سازی!

(ترجمه)

شورای شهر در شهر "الباب" روز چهارشنبه مورخ 26 جون 2024م از کار و فعالیت، جهت بازگشائی گذرگاه تجارتي "ابوالزندان" به صورت آزمایشی اعلان کرد تا پیش‌زمینه‌ای برای یک گذرگاه رسمی و دائمی در آینده باشد. این گذرگاه مناطق مورد نفوذ "ارتش ملی" را با مناطق تحت سیطره نظام جنایت کار اسد ارتباط برقرار می‌کند. این شورا به گمان خودش کذباً طوری وانمود ساخت که این تصمیم، انگیزه و شوق شان را نسبت به بهتر ساختن شرائط معیشتی اهالی این منطقه، تقویت فعالیت‌های اقتصادی شهری، فعال ساختن سیر و حرکت تجارتي، افزایش درآمدهای این شورای برای منافع عامه و از سرگیری زیرساخت‌های این شهر را انعکاس می‌دهد. این اعلان در روز پنج شنبه از داخل شدن اولین کاروان تجارتي از مناطق آزاد شده به مناطق تحت سیطره نظام اسد جنایت کار از طریق گذرگاه "ابوالزندان" نزدیک به شهر "الباب" به ریف حلب شرقی خبر داده است.

بعد از این اعلان انقلابیون در تمام مناطق آزاد شده به جاده‌ها می‌ریزند و خشم و شدت قهرشان و عکس‌العمل شان را طی یک حرکت جدی مبنی بر رد تحمیل این توطئه‌ها و منع اجرای این پلان خیانت کارانه ابراز کردند؛ مخصوصاً مردم ما در شهر "الباب" و اطراف آن که با طیف‌های مختلفی به سمت این گذرگاه حرکت نمودند و موقف شان را در این رویکرد عزت امت و قوت اثرگذاری امت نشان می‌دهد؛ اثرگذاری که هرگاه حرکت کنند برای منافع و درخواست‌های شان جهت حقوق شان و گرفتن دست کسانی که به سرنوشت انقلاب شان بازی می‌کنند واضح می‌سازد. این حرکت مردمی با موج گسترده‌ای از فعالیت‌ها در فضای مجازی و وسائل ارتباط جمعی همراه بود که رأی و نظر قاطع عمومی را بر ضد جنایت بازگشائی گذرگاه‌ها به صورت عام و گذرگاه "ابوالزندان" را به صورت خاص آشکار ساخت.

ما در مورد این خبر موقف و نظریاتی داریم:

اول) فکر و پلان باز نمودن گذرگاه‌ها یک پلان جدیدی نه، بلکه در این مورد از قبل هم تلاش‌های زیادی صورت گرفته که به دلیل موقف‌گیری و مخالفت مردم در برابرش این فکر ناکام شده است؛ چنانچه در "معاراة النعسان" که در منطقه تحت سیطره هیأت تحریر الشام است، چندسال این اتفاق افتاد؛ همان وقتی که تظاهرکنندگان لگدمال شده و یکی از ایشان شهید گردید.

دوم) این پلان عادی سازی ممکن نیست که اصلاً یک تصمیم محلی و داخلی باشد؛ بلکه این پلان نتیجه توافقات و تفاهات ترکی-روسی است که به خدمت طاغوت شام قرار گرفته است. اینکه در ظاهر چهره داخلی به این پلان عادی سازی داده می‌شود، تنها از ترس مردم است که هر پلان و گام که برای منافع و عادی سازی نظام جنایت کار باشد رد می‌کنند؛ چنانچه تلاش‌هایی که برای بازگشائی این گذرگاه هم‌زمان با ترفند و مکر اردوغان قرار گرفته که رابطه‌اش را با اسد طاغوت شام برقرار کرده است؛ چنانچه اردوغان در این اواخر صراحتاً گفته است که او هیچ دلیلی به عدم ایجاد روابط با سوریه را نمی‌بیند. او تأکید ورزیده و گفته: «همان طوری که در گذشته روابط بین ترکیه و سوریه خوب بوده و در گذشته با اسد ملاقات کردم، در نتیجه بازهم مرحله بعدی و آینده با اسد ملاقات خواهیم کرد و ما به این مسأله آماده هستیم.»

سوم) بازگشائی این گذرگاه یک قضیه داخلی نیست که تنها اختصاص به شهر "الباب" داشته باشد؛ بلکه این یک تصمیمی در سطح انقلاب است که تمام طیف‌ها و گروه‌ها و جوانب انقلابیون را شامل شده و در نتیجه کوچک جلوه دادن این قضیه و نسبت دادن آن به جهتی که هیچ صلاحیت ندارد یک مکر و فریب آشکار است.

چهارم) بازگشائی این گذرگاه روزنه حیات نظام پوسیده و مشروعیت بخشیدن آن وتلاش برای اینست که اندکی مردم را کنترل کند تا با نظام سفاک، خون‌آشام و قاتل زنان، اطفال، پیرمردان و هتک کننده حیثیت و مال‌های مردم تعامل کنند؛ نظام خون‌آشامی که زندان‌های مهیب و تاریکش را از مردان، زنان و اطفال بی‌گناه پرکرده است.

پنجم) مقصد از بازگشائی این گذرگاه رشد اقتصادی کدام منطقه مشخص و بهبود بخشیدن وضعیت معیشتی مردم نبوده؛ طوری که گمان می‌کنند؛ بلکه مقصد آن یک پروژه سیاسی خبیثی است که از جانب رهبری مزدور و وابستگان نظام ترکیه که یک ابزار بی‌ارزش آن می‌باشند، روی دست گرفته شده و این پروژه پیش‌زمینه برای مشروع ساختن منافعی است که نظام ترکیه به رهنمائی امریکا به پیش می‌برد و این یک پلان خبیثی است که برای جلو انداختن عادی‌سازی این نظام مجرم که در پی آن پلان‌های خبیث‌تر، مرموزتر و خطرناک‌تر است به کار بسته شده است.

در اخیر باید گفت: امروزه توپ میدان در دست انقلابیون و صاحبان خون‌شهداء، مجاهدین صادق و مهاجرینی است که از شهرهای مختلف سوریه و ساکنین خیمه‌های بیجا شدگان می‌باشند؛ خیمه‌های بیجا شدگانی که در شأن بشریت نیست. پس ایشان هستند که صاحبان این قضیه هستند و آن‌ها ایند که به یاری الله سبحانه و تعالی می‌توانند جلو این بازی‌ها را بگیرند. از طریق گرفتن دست هر ستم‌گر و کسی که به سرنوشت مردم و انقلاب بازی می‌کند، از طریق کار اساسی برای پایان دادن رنج‌های طولانی و باز نمودن دروازه‌های بسته شده، از طریق خیزش آزادگان که همه چیز را تحت کنترل شان در آورند و این خیزش در موج دوم انقلاب تجلی خواهد کرد، خیزش عزت و با شکوهی که سرنوشت و ورق را در برابر توطئه‌گران عوض خواهد کرد و قدرت و سرنوشت امت را از غاصبین گرفته و به خودش بر می‌گرداند؛ اشخاصی که به نظام ترکیه وابسته بوده، آنانی که اراده و سرنوشت آن را با تمام پستی و ذلت و خواری به گیسو دادند و به انقلاب و قربانی‌های انقلاب ضربه زدند مانند که به دیوار زده شود. از این جهت مردان صادق گامی به سوی جبهات آزاد کردن بر ضد نظام جنایت‌کار برداشتند تا این نظام را در پایتختش سقوط داده و قربانی‌ها به اساس حکم اسلام ارج‌گذاری شوند. این مسأله بالای اهل انقلاب واجب می‌کند تا رهبری سیاسی با درک و فهم و مخلصی داشته باشد که مشکلات امت را به دوش کشیده و راه نجات آن را بر اساس عقیده اسلامی خلاص کند، بعد از این که نظام ترکیه از نظر مردم به عنوان یک رهبری سیاسی از چشم افتاد؛ نظامی که انقلاب ما را به ضربات هلاکت باری مواجه ساخت.

امروزه بر امت لازم است که رهبری صادق و واقعی داشته باشند تا آنان را از توطئه‌ها و دسیسه‌ها بر حذر داشته و پراکندگی شانرا از بین برده و آنان را وحدت بخشد. هم‌چنان تمام انرژی شان را یکجا بسازد و نقشه و راه واضحی برای به دست آمدن محصول زحمت‌کشی‌ها و قربانی‌های بزرگ شان بدهد تا باشد که الله سبحانه و تعالی به این عمل راضی شده و ما را به یاری‌اش نصرت بخشد یقیناً که آن روز نزدیک است.

برگرفته از شماره 502 جریده الرأیه

نویسنده: استاد ناصر شیخ عبدالحی

مترجم: مصطفی اسلام